



یتیمان دیکتاتور

ورشکستگی اخلاقی اتحادیه نویسندگان عرب

ناجم والی *

به مدت ۲۵ سال در دوره حکمرانی حزب بعث، اتحادیه نویسندگان عراق زاینده رسمی تشکیلات «دفتر مخصوصی» بود که تحت امر مستقیم حزب قرار داشت. این بدان معنا بود که کل اتحادیه می‌بایست خط ایدئولوژیک و سیاسی «دفتر اطلاعات ملی» صدام حسین را دنبال کند. در آن ایام این دفتر تحت سرپرستی طارق عزیز قرار داشت که به نحوی مستقیم، شخصاً از صدام حسین فرمان می‌گرفت. نحوه انتخاب دبیر اتحادیه تحت نظارت کامل قرار داشت. احراز چنین سمتی شرایط ویژه‌ای را طلب می‌کرد: نامزد مورد نظر نخست می‌بایست «خلوص فکری» و «خاستگاه عربی اصیل» خود را ثابت می‌کرد و آنگاه با همکاری «میلیشای خلق» و «فدائیان صدام» اداره‌امور را در دست می‌گرفت.

هنگامی که عدی، پسر صدام وارد صحنه سیاست شد، در کنار ریاست کمیته المپیک، ریاست اتحادیه نویسندگان و روزنامه‌نگاران را نیز بر عهده گرفت. پسر ارشد دیکتاتور همیشه پای بند اصول و مقررات اداری موجود نبود و هر کاری که دلش می‌خواست انجام می‌داد و این فقط چند نمونه از واقعه‌های «دموکراتیک» و وضعیت فرهنگی عراق در دوره صدام حسین است که امروزه اعضای اتحادیه نویسندگان عرب از بابت بر باد رفتن آنها شکوه می‌کنند. واقعه‌هایی که نمایندگان اتحادیه نویسندگان عرب در تمام آن سالها به آن واقف بودند.

آیا این‌ها و هوای اتحادیه نویسندگان عرب به موضوع دموکراسی مربوط می‌شود؟ از مجموعه روشنفکرانی که در جهان عرب به بند کشیده شده‌اند فهرست بالا بلندی می‌توان تهیه کرد. تا چندی پیش علی‌الامینی همراه با شماری از همکارانش در عربستان سعودی زندانی بود. در سوریه که حدود ۲۷ سال است به عضویت دائم اتحادیه نویسندگان عرب در آمده، تعدادی از روشنفکران زندانی‌اند. فرداش بیرق‌دار شاعر که اخیراً کتابی درباره او در لبنان منتشر شده است، پانزده سال است که زندانی است. میشل کیلو و عارف دلپله، دو تن از روشنفکران سوریه، سال گذشته را در زندان گذراندند و در هیچ یک از این موارد اتحادیه نویسندگان عرب حتی یک سطر هم برای رهایی آنها منتشر نکرد.

در عراق سالهای دهه ۱۹۷۰ شفیق الکمالی شاعر و دبیر

حدود یک ماه قبل اتحادیه نویسندگان عرب نشست سراسری در قاهره برپا کرد. به استثنای عراق، نمایندگان از تمام شعبه‌های اتحادیه در دیگر کشورهای عربی در این نشست حاضر شدند. البته این برای نویسندگان عراقی پدیده جدیدی نیست؛ آنها از حضور در نشستهای ۲۰۰۴ دمشق و ۲۰۰۵ الجزیره نیز بازماندند. جنبه جدید این ماجرا توضیحات دبیر اتحادیه نویسندگان مصر در این زمینه بود که به خبرنگاران گفت از تمام شعبه‌های اتحادیه در دیگر کشورها دعوت به عمل آمد به استثنای «اتحادیه‌ای که پس از اشغال توسط دولت عراق تأسیس شده است»؛ اتحادیه‌ای که به گفته او در مظان «ارتباط با دشمن صهیونیستی» قرار داشت.

هیچ بعید نیست که دبیر اتحادیه نویسندگان مصر که همه می‌دانند قرار است سرپرستی اتحادیه نویسندگان عرب را عهده‌دار شود، از آن رو از هیئت عراقی دعوت نکرد که مانند ماجرای نشست ۲۰۰۵ الجزیره، وضعیتی پیش نیاید که به اخراج آنها از هتل منجر شود. جالب آن است که هزینه هر سه این نشستها را اتحادیه عرب تأمین می‌کند که عراق «تحت اشغال» کنونی نیز به افتخار عضویت در آن نایل آمده است.

همه کسانی که به نحوی جدی باور دارند که اعضای هیئت عراقی صرفاً به دلیل ادعای یاد شده از حضور در این نشست منع شدند، خوب است به یاد آورند که تمام شعبه‌های اتحادیه نویسندگان عرب تحت حمایت مالی و نظارت سیاستمداران کشورهای متبوع خود هستند. تهمت همکاری با «دشمن صهیونیستی» چیزی نیست جز یکی دیگر از مصنوعات و محصولات کارخانه حرافی اعراب برای مصرف داخلی.

با این حال اتهام همکاری عراق با «امریکای متخاصم و اشغالگر» همانند ویروسی در شبکه رسانه‌های عربی به حرکت آمده و به جان نویسندگان عراقی افتاده است. البته نه به خاطر آنکه مسئول اشغال کشورشان هستند، بلکه بدین دلیل که مصر و دیگر کشورهای عربی که پرزیدنت بوش در آخرین سخنرانی خود از آنها به عنوان دولتهای معتدل عرب یاد کرد (اردن، عربستان سعودی و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس که اتحادیه‌های نویسندگانشان در این کنفرانس شرکت کردند) حتی یک روز نیز نمی‌توانند بدون «دوست» امریکایی خود دوام بیاورند.

سابق اتحادیه نویسندگان اعدام شد و اتحادیه نویسندگان عرب در این باره کوچکترین اعتراضی نکرد. در واقع در میان کشورهای عرب هیچ کشوری به اندازه رژیم نژادپرست بعث بغداد موضوع ستایش انبوهی از اشعار و ترانه‌ها، داستانهای کوتاه و بلند، فیلمها و نمایشنامه‌ها قرار نگرفت. صداها هنرمند و روشنفکر به ضیافت صدام شتافته و از این جشنواره به آن جشنواره رفتند. جشنواره‌های شعر ماربد و ابوتام که به صورت سالانه برگزار می‌شدند از این جمله بودند و در جشنواره دولتی بابل که به مناسبت تولد صدام برگزار می‌شد انبوهی از گروههای تئاتر اروپایی و عرب برنامه اجرا می‌کردند.

بذل و بخشش دولت عراق چنان گسترده بود که دهها داستان و مجموعه شعر در ستایش از قهرمانی جنگجویان عراقی در مبارزه با دشمن «صهیونیستی» و ایرانی به رشته تحریر در آمد و سروده شد. کارگردان آوانگارد مصری، توفیق صالح فیلم «روزهای طولانی» را ساخت که زندگانی «سراسر مبارزه» صدام حسین را به تصویر می‌کشید (قهرمان اصلی فیلم داماد صدام بود که چندی بعد به دست عدی کشته شد). همکار مصری اش صالح ابوسیف در تبلیغ دیدگاههای نژادپرستانه و ستایش از جنگ علیه «دشمن ایرانی»، «القادسیه» را منتشر کرد. محمود درویش شاعر صاحب نام فلسطینی وزارت اطلاعات (تبلیغات) عراق را «وزارت شعرا» خواند. او در ضمن «بغداد مؤنث» را نیز ستود؛ چرا که مردان برای مبارزه با ایران رهسپار جبهه‌های جنگ شده بودند و تنها زنان زیباییشان در خیابانها دیده می‌شدند! جمال قیطانی، نویسنده مصری از سوی وزارت دفاع عراق سفارش نوشتن کتابی را دریافت کرد تحت عنوان «مدافعان جبهه شرق» که نوشته‌ای بود در ستایش کشتار کردهای شمال عراق.

بسیاری از ناشران لبنان از قتل انتشار کتابهایی از این دست و بنا به سفارش وزارت اطلاعات عراق، امور خود را می‌گذراندند و آنهاهی هم که جسارت کرده، مجموعه اشعار یا داستانهای مخالفان تبعیدی صدام حسین را منتشر می‌کردند، مشمول تحریم قرار می‌گرفتند. هزینه بسیاری از نشریات عربی چاپ لندن و پاریس را صدام حسین می‌پرداخت و امروز با نابودی دیکتاتور از آنها نیز نشانی بر جای نیست. برای «یتیمان» دیکتاتور جز حماسه‌سرایی برای نبردهای پوچ و توخالی، به گونه‌ای که در بیانیه‌های پایانی کنفرانس اخیر نیز شاهد آن بودیم، چه رسالتی برجای مانده است؟ نه یک کلمه درباره آزادی و سانسور و نه اشاره‌ای به رخنه تدریجی بنیادگرایان به تمامی نهادها و مؤسسات؛ کل کار به فراخوانی از دل قرون وسطی برای طرد و انزوا ی بیش از پیش نویسندگان عراقی خلاصه شد.

بیست و هفت سال پیش، در پی امضای توافق صلح کمپ‌دیوید بین مصر و اسرائیل، اتحادیه نویسندگان عرب، در راه روی شعبه مصری خود بست. برای بیست و هفت سال تمام اتحادیه مزبور از مقر خود در دمشق برضد «امپریالیسم و صهیونیسم» به سخنرانی پرداخت و اینک برادر گمشده خود را نیز باز یافته و در کنار دارد: آن هم برادری به مراتب تند و تیز تر از برادر «بعثی» سوریه‌اش. آنچه اتحادیه نویسندگان عرب نمی‌دانند آن است که ادبیات نه از درون بیانیه‌ها و کنفرانس‌ها، بلکه از دل خود زندگی برمی‌آید و آن نیز شکوفا نمی‌شود مگر در آزادی.

برگرفته از: www.Signandsight.com/TheDictator'sOrphans (2007/05/01).

* نویسنده عراقی تبار مقیم برلین